

اللَّهُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ



دانشگاه باقر العلوم (ع)

دانشکده: مدرسی معارف اسلامی (مبانی نظری)

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته مدرسی

عنوان:

علم امام از منظر آیات و روایات

استاد راهنما:

حجه الاسلام دکتر سید محمود موسوی

استاد مشاور:

حجه الاسلام دکتر حسن معلّمی

محقق:

فاطمه مولائی فر

زمستان 1389

تقدیم:

باسلام و درود بہ ارواح مطہر شہدا، صلحا، عرفا بالانص روح ملکوتی حضرت امام خمینی (و ان اللہ تعالیٰ علیہم اجمعین) بخند و صفا بہ ساحت ملکوتی و مصداق اتم انسان کامل دوران، حضرت امام محمد تقی (ع) علیہ السلام، خاتم الاولیاء حضرت جدلی (اللہ تعالیٰ فرجہ العزیز) (ع) علیہ السلام.

تقدیر و تشکر:

شایسته است از تمامی کسانی که در تهیه و تدوین این اثر حقیقی را یاری نمودند و ما را به ویژه از اساتید گرانقدر جناب آقای دکتر موهوبی (زید) و جناب آقای دکتر مهرعلی (خلیل و عزیز) قدردان گردیم، در تألیف این اثر نیز از محضرشان بوی فراوان برسد. تشکر منگرم از پدر و مادرم که تمام موفقیتهایم، هر روز دعاها و خیرات آنان است. آمین صبر و بازپاسگزارم.

چکیده

مسئله علم امام یک خصوصیت لازمی است که امام باید آن را داشته باشد تا در مسیر هدایت انسان‌ها، دچار اشکال نشود، مراجعه به تاریخ اسلام و آیات و روایات نشان می‌دهد که پیامبران و امامان در پاسخ به هر سوالی، بهترین و کامل‌ترین جواب را داده و هرگز از پاسخ دادن به هیچ سوالی عاجز نبوده‌اند، در مورد حقیقت علم امام، علوم ائمه تنها منحصر به آن چه از پیامبر اکرم (ص)، بی‌واسطه یا با واسطه شنیده بودند، نبوده، بلکه ایشان از نوعی، علوم غیرعادی نیز بهره‌مند بودند، یعنی علم غیب که خداوند به آنان بخشیده و از طریق الهام و نیروی معنوی خاصی است. علم غیب مطلق و ذاتی از آن خداوند است، اما علم غیب نسبی ویژه معصومان الهی است. دو دیدگاه در مورد مطلق یا مشروط بودن علم ائمه وجود دارد، که طبق دیدگاه اول، یعنی مطلق بودن، معصومان همواره از همه امور مربوط به حال، گذشته و آینده آگاهند و چیزی از رویدادهای جهان بر آنان پوشیده نیست. دیدگاه دوم که اکثر دانشمندان شیعی در این دسته، جای دارند که آگاهی امامان از امور غیبی و... به خواست و اراده آنان، ارتباط دارد، یعنی هرگاه امام بخواهد چیزی را بداند، خداوند به او می‌آموزد، یعنی با خواست و مشیت و اجازه خداوند از حوادث گذشته و آینده آگاهی می‌یابند.

نکته دیگر این که ائمه در بکارگیری دانش غیبی خویش، پیرو تکالیف و مصلحت‌های واقعی بوده‌اند و بر این اساس در بیشتر اوقات، تنها علوم بشری خود را ملاک عمل قرار می‌دادند و گاهی نیز دانش غیبی را بنا به مصلحت‌ها و حکمت‌ها، مبنای عمل خود قرار می‌دادند که این مساله، پایه و اساس حل بسیاری از شبهات پیرامون علم غیب امام می‌باشد.

واژگان کلیدی: علم، امام، غیب، عصمت، آیات و روایات.

فهرست مطالب

1.....	مقدمه
3.....	طرح تفصیلی تحقیق
4.....	1- بیان مسأله
5.....	2- علت انتخاب موضوع، اهمیت و فایده آن
7.....	3- سابقه‌ی پژوهش
10.....	4- سؤال اصلی پژوهش
11.....	5- سئوالات فرعی پژوهش
11.....	6- فرضیه پژوهش
11.....	7- مفاهیم و متغیرها
12.....	8- پیش فرض‌های پژوهش
12.....	9- اهداف پژوهش
13.....	10- روش گردآوری اطلاعات و داده‌ها
13.....	11- روش پژوهش
13.....	12- روش تجزیه و تحلیل اطلاعات و داده‌ها
13.....	13- سازمان‌دهی پژوهش

15.....	فصل اول: کلیات
16.....	گفتار اول: مفهوم شناسی
16.....	1- مفهوم لغوی و اصطلاحی علم
19.....	واژه علم در قرآن کریم
19.....	الف - علم به معنای حجت و دلیل
20.....	ب - علم در معنای اسم مفعول
21.....	ج - علم به معنای آگاهی
21.....	مفهوم لغوی و اصطلاحی غیب
25.....	مفهوم غیب در اصطلاح قرآن و روایات
26.....	(1) حقایق دست نیافتنی
27.....	(2) امور فراتر از تجربه حسی
28.....	(3) پدیده‌های اخروی
28.....	(4) راز نهانی
29.....	(5) رویدادهای گذشته و آینده
30.....	(6) حدس و گمان
31.....	امام در لغت و اصطلاح

32.....	امام در لغت
34.....	مفهوم امام در اصطلاح
36.....	واژه امام در قرآن
37.....	واژه امام در فرهنگ دین
38.....	امامت در اصطلاح متکلمان
40.....	شناخت حقیقت و ابعاد وجودی ائمه (ع)
44.....	معنای لغوی و اصطلاحی عصمت
48.....	عصمت در اصطلاح
49.....	(1) لطف الهی
50.....	(2) عدم آفرینش گناه
51.....	(3) توانایی بر اطاعت
51.....	(4) ملکه‌ی نفسانی
54.....	فصل دوم: قلمرو علم امام
55.....	گفتار اول: گونه شناسی علم و گونه شناسی غیب
55.....	اقسام غیب
55.....	الف - غیب مطلق یا نفسی
55.....	ب - غیب نسبی یا اضافی

57.....	اقسام علم
57.....	الف - علم حصولی
58.....	ب - علم حضوری
61.....	گفتار دوم: قلمرو علم امام و ویژگی‌های آن در قرآن و روایات
74.....	مطلق یا مشروط بودن علم امام
74.....	(1 دیدگاه اول: مطلق و بدون شرط
75.....	(2 دیدگاه دوم: وابسته به مشیت و اراده
86.....	ویژگی‌های علم امام
86.....	(1 علم امام همیشگی و پایدار است
88.....	(2 امام هرگاه بخواهد چیزی را بداند، می‌تواند
88.....	(3 در علم امام خطا و خلاف راه ندارد
90.....	(4 علم امام، علمی حاضر است
92.....	گفتار سوم: منابع علم امام
92.....	(1 فهم بطون قرآن
93.....	(2 ارتباط با فرشتگان
95.....	(3 اسم اعظم
97.....	(4 رویای صادق

97	(5) آیات و وسایل اعجاز انبیاء.....
98	(6) آموختن از پیامبر(ص) و امام پیشین.....
101	نتیجه گیری.....
102	فصل سوم: دلایل اعتقاد به علم امام.....
103	گفتار اول: دلایل نقلی اعتقاد به علم امام (آیات و روایات).....
117	گفتار دوم: دلایل عقلی علم امام.....
122	نتیجه گیری.....
124	فصل چهارم: شبهات و پاسخ به آنها.....
125	(1) علم غیب امام و مستلزم جبر بودن.....
128	(2) علم امام و شبهه‌ی علم غیب.....
131	(3) علم امام و شبهه اقدام به هلاکت.....
139	(4) علم غیب امام و نفی عصمت.....
148	(5) علم غیب امام و رابطه آن با بدا.....
150	رابطه بدا و علوم ائمه.....
157	نتیجه گیری.....
159	منابع و مأخذ.....

مقدمه

موضوع امامت از ضروریات مذهب شیعه امامیه بوده و از مسلمات مذهب ماست. چنان که یکی از موضوعات اعتقادی مسلمین، موضوع علم امامان و پیشوایان الهی (رسول و امام) است. حضرت رسول اکرم فرمودند:

«من مات و لم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة»⁽¹⁾

«هرکس بمیرد و نشناسد امام زمان خود را، مردن او مردن زمان جاهلیت

است».

چون در زمان جاهلیت نوع افراد بشر از اعتقادات حقه نمی دانستند از این حدیث شریف که میان شیعه و سنی متواتر است، بر می آید که باید در هر زمان امامی وجود داشته باشد و امام متعدد بوده و هر زمانی امامی دارد زیرا کلمه امام، اضافه به (زمان شخصی شده) و آن اقتضاء می کند که امام باید متعدد بوده و هر عصر و زمانی اختصاص به امامی داشته باشد و ائمه به نحو تبادل و تناوب بوده اند. مراد از شناختن وی، از جهت شکل و شمایل و دیدن روی او و رنگ و قد و قامت و ... او نیست، بلکه شناخت شخص امام با نسب او که مختص به اوست و شناخت اوصاف و کمالات انسانی اوست مانند صفت امامت و عصمت که از لوازم آن عموم علم اوست به احکام شرعی و موضوعات خارجی و عالم بودن اوست به تمامی علوم و فنون و اشیاء و موجودات و ما سوی الله تعالی، در نتیجه شیعه معتقد است که رسول و امام برگزیده خداوند هستند و باید از ویژگی های خاصی برخوردار باشند، همان طور که لازمه یک

1- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج 3، ص 76.

معلم داشتن خصایص معین است که اگر فاقد آن باشد، صلاحیت معلمی را ندارد. یک فرستاده الهی هم، باید از صفاتی برخوردار باشد که عنوان برگزیده الهی و سمت پیشوایی از سوی خداوند بر او صدق نماید. صفاتی چون معجزه، عصمت و علم لدنی، لازمه‌ی یک فرستاده‌ی خدایی است. دلیل اثبات نبوت نبی، معجزه است. اگر پیامبری معجزه نداشته باشد، رسالت او از سوی مردم قابل پذیرش نیست. مأمور الهی بودن انبیاء از طریق معجزه اثبات می‌رسد، حال اگر کسی ادعای نبوت کند ولی معجزه نداشته باشد، ادعای او قابل پذیرش نیست. هم چنین اگر فرستاده خدا معصوم نباشد مطاع مطلق نمی‌شود و اعتماد پیروان برای اطاعت از میان می‌رود. از جمله خصایص مشترک بین پیامبر و امام خصیصه علم است. برخی از فرق مسلمین، دایره عصمت برگزیدگان الهی را ضیق کرده‌اند و در بحث علم نیز حد دانایی آنان را محدود می‌دانند. اخیراً برخی از کسانی که به ظاهر شیعه هستند، مطالبی در نفی علم همه جانبه معصومین مطرح کرده‌اند که بررسی و تحقیق در این موضوع اعتقادی را لازم می‌سازد. از آنجا که مسائل اعتقادی تحقیقی و غیرقابل تقلید است، پس باید به شبهات پاسخ گفت تا احتمال تردید برطرف گردد.⁽¹⁾

مولائی فر

قم / دی 1389

1- اسدی گرمارودی، محمد، علم برگزیدگان در نقل و عقل و عرفان، چاپ دوم، تهران: دارالکتب اسلامی، 1386، صص 18-

طرح تفصیلی تحقیق

1- بیان مسأله

در بینش شیعی، یکی از ویژگی‌های امامت، مسأله علم امام است، علمی که از طرق عادی به دست نمی‌آید که به آن علم لدنی یا خدادادی گویند، ضرورت بهره‌مندی امام از این علوم در این رابطه می‌باشد که امت نیازمند به امام هستند، زیرا آگاهی جامع از تمام امور و اسرار قرآن و وقوف کامل بر شریعت و تمام احکام و قوانین دینی و احکام موضوعات جدید و آمادگی کامل برای پاسخگویی به شبهات همگی مستلزم آن است که امام از علوم ویژه‌ای برخوردار باشد. اهل تسنن و مخصوصاً آن عده‌ای که از آنان متعصب نیستند معتقدند که اهل بیت پیامبر (ص) دارای امتیازات علمی نسبت به دیگران بوده‌اند و حتی بعضی از بزرگان سنی مذهب تصریح کرده‌اند که اهل بیت داناترین مردم بوده‌اند و یا بعضی از محدثین آنان، از طریق خود اهل تسنن روایاتی از رسول خدا (ص) نقل نموده‌اند که گویای این حقیقت است که اهل بیت دارای علوم خاصی بوده‌اند و با مردم عادی از لحاظ علم فرق دارند، تا بدین حد را همه پذیرفته‌اند و محل نزاع نیست، آن چه مورد اختلاف است در مسأله علم امام این می‌باشد که آیا علم امامان منحصر به علوم مکتسب از راه‌های عادی است یا اینکه آنان راه دیگری برای شناخت حقایق دارند؟⁽¹⁾ آیا قلمرو علم امام فقط در محدود تشریح است یا نه؟ پس علم امام، قلمرو آن تا کجا امتداد دارد؟

1- مصباح یزدی، محمد تقی، راهنما شناسی، اصول عقاید (2)، چاپ اول، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، 1367، ص 474.

اینکه امام (ع) بعضی از امور گذشته و آینده را می‌داند یا از همه حوادث و رویدادهای حال و گذشته و ... آگاه است؟ و اینکه آیا علم امام فعلی است و او در همه حال، از این آگاهی برخوردار است یا اینکه علم وی منوط به اراده و خواست او می‌باشد، یعنی که در حالت عادی هم چون افراد دیگر است ولی این تمایز را با دیگران دارد که اگر بعضی از امور یا هر امری را بخواهد بداند، خداوند او را از آن آگاه می‌کند؟ و اینکه تأثیر این علم در عمل و رفتار آنان چگونه است؟ آیا آنها باید به مقتضای آن چه می‌دانند عمل کنند یا نه؟ و ما در حد وسع و توانایی خویش، سعی داریم به بررسی این مسائل پرداخته و با نگاه نقلی و علمی (آیات و روایات) مسأله علم امام و ارتباط آنها با عالم غیب و ... بپردازیم. امید است که خداوند متعال ما را در این مسیر یاری نماید.

2- علت انتخاب موضوع، اهمیت و فایده آن

یکی از شرایط و ویژگی‌های امامت امام، علم می‌باشد و اهمیت و فایده علم امام در حقیقت به مقام شامخ امامت باز می‌گردد، چرا که خداوند فرموده‌اند هیچ‌گاه زمین خالی از حجت نمی‌ماند:

«و لولا الحجة لساخت الارض بأهلها»⁽¹⁾

«اگر حجت و امام در روی زمین نباشد زمین اهلش را فرو می‌برد و نظمش

از هم می‌پاشد».

1- اصول کافی، باب «ان الارض لا تخلوا من الحجة».

جدای از آن امامت جزء اصول دین شیعیان می‌باشد و در شناخت و اعتقاد اصول دین شیعیان باید آن را با شناخت و آگاهی بپذیرند و این طور نمی‌باشد که بتوان آن را مقلدانه پذیرفت و اگر این شناخت و آگاهی لازم را مسلمانان بدست بیاورند، بسیاری از انحرافات و... بوجود نمی‌آید و مسلمانان به رشد اخلاقی و کمالات دینی می‌رسند. از نظر علمی، این پژوهش اطلاعات فراوانی در اختیار محقق قرار می‌دهد و سئوالات و ابهامات را که برای فرد ایجاد شده است را می‌توان با تحقیق در این زمینه پاسخ داد و شبهات را هم که برای فرد ایجاد شده، پاسخ داد. علاوه بر این، می‌توان به مقام امامت و علم امام شناخت و معرفت پیدا کرد و به علم غیب امام یقین پیدا کرد که آن بزرگواران با عالم غیب ارتباط دارند و قلمرو و علم آنان از افراد عادی فراتر می‌باشد و آگاه به مسائل و حوادث آینده و... می‌باشند با توجه به شناخت پیشوایی به حق و فهمیدن حد و مقام او نقشی بس عظیم در رسیدن جامعه بشریت به کمال خواهد داشت. شاید یکی از جنبه‌های حدیث:

«من مات و لم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة»⁽¹⁾؛ «هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد

به مرگ جاهلیت مرده است».

همین ضرورت را برساند. اندیشه مقدمه عمل است، ریشه و باعث حرکات فردی و اجتماعی انسان‌ها، نحوه باور و چگونگی شناخت آنهاست، اگر هادی الهی علم لدنی نداشته باشد با سایر پیشوایان تفاوتی نداشته و رجحانی نمی‌یابد. نفی کردن صفات بارز معصومین، دلسردی و عدم تبعیت از آنها را به همراه خواهد آورد. جامعه جدا شده از ارزش‌های الهی

1- بحارالانوار، ج 3، ص 76.

قطعاً به مادیات روی آورده و خلاء معنوی چنین جامعه‌ای را از بین خواهد برد. پس برای رشد معنویت و سیر در عالم ارزش‌های معنوی، باید به هادیان عالم معنا سرسپرد و می‌دانیم که لازمه‌ی سرسپردگی، ایمان و اعتقاد راسخ به مقام و مرتبه آنهاست، با این شناخت می‌توانیم از هدایت‌های آنان و فیوضاتشان استفاده کنیم و محبت ما به اهل بیت با شناخت همراه گردد. این شناخت ما را در راه رسیدن به مسیر درست که همان رسیدن به کمال واقعی که همان قرب الی الله می‌باشد رهنمون می‌نماید. چرا که ائمه راسخان در علم⁽¹⁾ و خزانه‌دار علم خدا⁽²⁾ معرفی شده‌اند.

3- سابقه‌ی پژوهش

(بحث علم امام از منظر آیات و روایات با این عنوان سابقه‌ای در کتاب‌ها نداشته است (و) پیشینه‌ی بحث و گفتگو درباره علم امامان(ع) و علم غیب آنان به صدر اسلام و سال‌های نزول قرآن کریم بر می‌گردد، حتی خداوند در آیات متعددی در قرآن در مورد علم ائمه، خصوصاً علم غیب آنان سخن گفته، در بعضی از آیات، علم غیب را در انحصار خود قرار داده و در آیات دیگری علم غیب را به انسان‌های برگزیده هم چون پیامبران و ائمه نیز اختصاص فرموده است، این مسأله در میان مسلمانان صدر اسلام و صحابه پیامبر مورد پرسش و بررسی واقع شده است. پیامبر(ص) اولین کسی بودند که در عصر ظهور اسلام و در زمان حیاتشان از خبرهای آینده و چیزهای ناپیدا و نهان سخن می‌گفت و همین امر باعث می‌شد که مسلمانان

1- اشاره دارد به احادیثی که ائمه را راسخان در علم معرفی می‌نمایند. اصول کافی باب «ان الراسخین فی العلم، هم الائمة».

2- اشاره دارد به احادیثی که ائمه خود را خزانه دار علم خداوند معرفی کرده‌اند. اصول کافی، ج 1، ص 193.

در این زمینه توجه بیشتری مبذول دارند و در کتب روایی هم اخبار فراوانی در این زمینه در خصوص علم غیب و علوم عادی و... یافت می‌شود. از میان علمای متقدم شیعه یعنی در حدود ده قرن پیش، بیشتر دیدگاه‌ها درباره علم پیامبر و امام این بوده که ضمن اعتقاد به اصل علم غیب محدوده‌ای نیز برای آن قائل بودند که در این میان می‌توان به دیدگاه‌های شیخ مفید،⁽¹⁾ سیدمرتضی⁽²⁾ و شیخ طوسی⁽³⁾ اشاره کرد. این تفکر تا حدود سه قرن بعد ادامه داشت. اما پس از آن، دیدگاه‌ها کم کم به سمت گسترش دامنه علوم غیبی امام(ع) حتی فراتر از بعد تشریح، سوق داده شد این رویه با فراز و نشیب‌های خاص خود ادامه پیدا کرد. از میان آثار که درباره علم ائمه و علوم غیب آنان از آغاز تاکنون به رشته تحریر درآمده، در میان کتاب‌های تفسیری، روایی و کلامی و اعتقادی شیعه به تفصیل در این زمینه بحث شده است و در این رابطه روایات از جهت پرداختن به این موضوع و از جهت ایجاد انگیزه، بحث و جستجو و تحقیق در میان علماء، شاید نقش موثرتری در تبیین این مسأله داشته است. اهم کتاب‌هایی که در لابه‌لای آن‌ها از علوم امامان و علم غیب ائمه سخن به میان آمده است عبارت می‌باشند از:

1. اصول کافی، ج اول، مؤلف: ابوجعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق الکلینی الرازی (329ه.ق) در این کتاب روایات فراوانی پیرامونی علوم ائمه (علیهم السلام) و کمیت و کیفیت آن جمع آوری شده است.

1- ر.ک: شیخ مفید، *اوائل المقالات*، چاپ دوم، قم: مکتبه الداوری، 1330، ص 77.

2- ر.ک: علی بن حسین، مرتضی، *الذخیره فی علم الکلام*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، 1411ق، ص 80.

3- شیخ طوسی، *الاقتصاد فیما يتعلق بالاعتقاد*، قم: مطبعه النخيام، 1400ق، ص 310.

2. بحارالانوار، از علامه محمدباقر مجلسی (111 ه.ق) در یک جلد از این اثر به گردآوری روایات و احادیث مختلف و متعدد پیرامون علم امام (علیه السلام) اختصاص داده شده است.
3. آثار شیخ مفید (413 ه.ق) از قبیل: اوائل المقالات و الارشاد و ...
4. آثار شیخ طوسی (460 ه.ق) قواعد العقاید و الاقتصاد فیما يتعلق بالاعتقاد و ...
5. آثار سید مرتضی (436 ه.ق) مانند: الذخیره فی علم الکلام و تنزیه الانبیاء
6. وسایل الشیعه شیخ محمد بن حسن حرعاملی
7. بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد (ص) مؤلف: ابوجعفر محمد بن الحسین بن صفار قمی (290 ه.ق) این کتاب مشتمل بر 10 جزء و هر جزء از چندین باب تشکیل شده است که مطالبش در مورد روایات و احادیث ائمه (ع) می باشد که بخش بزرگی از آن درباره علوم ائمه (ع) است و این کتاب قدیمی ترین منبعی است که در مورد علم امام به تحقیق و بررسی پرداخته است.
8. علم الامام (ع) مؤلف: محمد حسین مظفر (1383 ه.ق) در این کتاب مؤلف با آوردن دلایل مختلف نقلی و عقلی درصدد اثبات علم حضوری (فعلی) امام (ع) برآمده و در مورد آن به طور مفصل بحث کرده است.
9. علم پیامبر و امام در قرآن مؤلف: احمد مطهری و غلامرضا کاردان (تاریخ نشر 1360 ه.ش) در این کتاب آیات نافیه و مثبتة علم غیب پیامبر و امام به تفصیل مورد بحث قرار گرفته است و به اثبات علم غیب پیامبر و امام پرداخته شده است.

10. المعارف السلمانية في كيفية علم الامام و كمية مؤلف: آية الله سيد عبدالحسين نجفی

لاری (تاریخ نشر: 1414 ه. ق) در این کتاب مؤلف با توجه به دیدگاه خود در زمینه علوم حضوری امام (ع) با دلایل عقلی و نقلی در صدد اثبات آن برآمده است.

11. سرچشمه علوم انبیاء مؤلف: آیه الله میرزا اسماعیل رحمت خواه تبریزی با همکاری

مرحوم آیه الله میرزا صادق نصیری سرابی.

12. ولایت و علم امام (دلایل الولاية) مؤلف: سید حسن حجت کوه کمری

13. علم امام مؤلف: محمد زمان رستمی که در این کتاب با رویکرد قرآنی، روایی،

عرفانی، فلسفی و کلامی به این موضوع پرداخته شده است و در این کتاب به پاسخگویی به سؤالاتی از قبیل اینکه ماهیت علم امام چیست؟ مصادر علم امام کدام است؟ و شعاع علم امام تا کجا امتداد می یابد؟ پرداخته شده است.

14. آگاهی سوم مؤلف: آیه الله جعفر سبحانی (تاریخ نشر: 1397 ه. ق) مؤلف در این اثر

به طور مفصل به مسأله علم غیب انبیاء و امامان پرداخته و نظریات علما و دانشمندان و مباحث مختلف پیرامون آن را مطرح نموده است.

15. علم امام مؤلف: محمد حسن نادم (تاریخ نشر: 1388) که مؤلف در این کتاب

مجموعه مقالاتی راجع به علم امام آورده است.

4- سؤال اصلی پژوهش:

قلمرو علم امام از منظر آیات و روایات چگونه است؟